

آینه

اخبار

یادداشت: «دولت از خود شروع کرده است» حسین کاشفی

طبیعی است عده‌ای که منافع آنها به خطر افتاده نمی‌گذارند این آرامش تثبیت شود، حال به اشکال مختلف؛ یک روز جلوگیری از سخنرانی و روزی برخورد با شخصیتی انقلابی، امروز باید این آرامش به وجود بیاید و قانون نیز بدون تبعیض اجرا شود. قانون نباید با عده‌ای برخورد سلبی داشته و برای عده‌ای از مسؤولان فعلی گرفته تا سایر شخصیت‌های نوعی چراغ سبز باشد. در مسایل داخلی، مردم باید تغییر رویکردی که به آن در ۲۴خرداد ۹۲ رای داده‌اند را شاهد باشند. شاهد باشند که این اتفاق رخ دهد و آن انسجالی که قاطبه مردم به آن روی آورده‌اند کم‌اکان حفظ می‌شود. آن اتفاق به‌عنوان ستونوار بزرگی است که دولت باید قیدران آن باشد. حفظ آن نیز تنها از این طریق امکان‌پذیر است که همانطور که به مسایل خارجی توجه دارد به مسایل داخلی نیز بپردازد تا مردم احساس کنند که دولت می‌تواند زمینه تغییرات را به‌وجود آورد. بنابراین دولت یازدهم باید از این سرمایه ملی برای حل توملان مسایل داخلی و خارجی کشور استفاده کند.

ایران

سرمقاله: «امریکا باید یک تصمیم ساده بگیرد» حمیدرضا ضاعفی

مؤلفه اصلی در تداوم مذاکرات و حصول نتیجه، به اراده سیاسی کشورهای غربی و در راس آنها آمریکا برمی‌گردد. آمریکا در حالی موضوع مذاکرات با ایران را پیگیری می‌کند که بیش از ایران خواهان حل این مساله است چرا که این کشور در مسایل مهم منطقه‌ای از جمله بحران سوریه، افغانستان و سایر موضوع‌های حل‌نشده‌ای که گرفتار آن است نیازمند مذاکرات با ایران است. بر همین مبنا کار ظرفیتی که آمریکا انجام داد، آن بود که از گفتمان دولت جدید ایران حسن استفاده را کرد و وارد مذاکره با ایران شد.

کیم‌تان

سرمقاله: «به‌روزرسانی نقشه راه دولت» محمدایمانی

رئیس‌جمهور محترم مدتی است هرچند از اعتدال سخن می‌گوید اما بعضا از سر اعتدال حرف نمی‌زند. گاه‌به منتقدان تندی و پرخاش می‌کند، گاه ادبیات تهدید را به کار می‌بندد. بعضا سخنانی در حوزه نظری –مثلا در زمینه مسایل سیاسی یا فرهنگی- پیش می‌کشد که بر آندندی جز حاشیه‌سازی و چاشنی در فضای رسانه‌ای داخلی ندارد و اصحاب رسانه و سیاست – موافق و منتقد- را درگیر خود می‌کند؛ برخی از این اظهارنظرها با مبانی انقلاب اسلامی، مواضع اسام و رهبری به‌ویژه سوابق فکری و سیاسی خود آقای روحانی زاویه دارد. نزد افکار عمومی نیز خیلی پذیرفته نیست که منتقدان، یکسره یی‌بود، بی‌خبر از دنیا، پول‌پرگار از جایای خاص، فاقد شناسنامه افراطی و کسانی که مثلا از تحریرها سود می‌برند، معرفی شوند. نمی‌شود گفت دوره استبداد پیام و منبرهای یکطرفه به‌سر آمده، اما از انواع شیوه‌های فشار روانی و فیزیکی – نظیر تعطیل نشریه، تذکر به نماینده مجلس و ترور شخصیت و… - درصدد استبداد پیام و انحصار تحلیل درباره مهم‌ترین مسایل روز کشور برآمد که رفتاری نافرجام و ضدکارکردی است. اکنون یکسال سیری شده از آن روزی که آقای روحانی آمریکا را دکندا اعلام کرد. به تعبیر برخی رسانه‌های زرد، ناپوش‌کنند اما دل شیطان بزرگ درای نرم نشده. می‌توان با منتقدان – حتی آن طیف که منطق‌شان به‌حق به‌نظر نمی‌رسد - مهربان‌تر بود. از نسوی دیگر ضرورت دارد نقشه‌راه جدیدی برای دولت براساس راهمایی‌های متشقاته وهرهمعظم انقلاب ترسیم شود؛ که گفت‌اند جلوی ضرر را از هر جا بگیرند منتفع است. به‌نظر می‌رسد برخورد عز‌نمندانه اخیر تیم مذاکره‌کننده‌هسته‌ای در وین حاصل همین رویکرد مثبت است و امید که این رویکرد حکیمانه تداوم پیدا کند.

سازش

سرمقاله: «استبداد پیام؛ اسیدمسعود علوی
وقتی اجازه نقد توافق هسته‌ای در رسانه ملی داده نمی‌شود، منتقدان بی‌سواد، بی‌شناسنامه، انحصارطلب و مستبد معرفی می‌شوند و ساخت یک فیلم مستند را به توپ‌وتشتر، محکمه و داغ و درفش می‌بندند و به نقدهای مشفقانه عنایتی نمی‌شود. آیا این حکایت از یک ارتباط یکسویه و یک‌طرفه نمی‌کند؟ وقتی که در رسانه‌های مرتبط با بیگانگان به امام اول شیعیان توهین می‌شود، قصاص را غیرانسانی معرفی می‌کنند و… واکنش به‌هنگام دیده نمی‌شود، آیا تابید ارتباط یکسویه نیست؟ سخن‌گفتن رئیس‌جمهور از نفی ارتباطات یکسویه و بلندگوها و تریبون‌های یکطرفه چه لطفی دارد؟ آیا رئیس‌جمهور، همچنان مدعی است که یک حقوقدان و پایبند به اجرای قانون است؟

پشت پرده

یادداشت: «سیاست خارجی با رویکرد «برد-برد» استراتژی یا تاکتیک؛ یدالله جوانی
مگر می‌توان گفت اسلام و کفر در تمامی امور بر اساس منافع مشترک با سیاست و رویکرد «برد-برد» عمل کنند، آن‌هم در حالی که کفر برای نابودی اسلام و مسلمین تمامی قوایش را بسیج کرده است؟ آیا اینک آمریکایی‌ها، صهیونیست‌ها و برخی از دولت‌های استعماری اروپایی، تمام‌قد در برابر اسلام آرایش نگرفتند؟ اگر چنین است، که هست، پس چگونه می‌توان بر مبنای شعلر «تعدیل سیاست خارجی» و با پوشش «آشتی با دنیا»، شعار سیاست خارجی با رویکرد «برد- برده را سرداد؟

باشگاه خبرنگاران جوان: عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گفت: «باید از موارد جزئی هم بگذریم و اینکه کسی یک مقدار کمی موش بیرون است، سخت‌گیری نکنیم و به سراغ آن موارد ناهنجار برویم که نیاز به اقدام عملی دارد.»
علی‌مطهری، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در نشست شورای اجتماعی کشور درباره وضعیت فعلی حجاب در کشور گفت: «با توجه به آمار به‌دست‌آمده از شهرها و روستاها در مجموع نمی‌توان گفت که وضعیت حجاب در کشورمان اسفبار است اما در تهران و شهرهای بزرگ ما با

علی‌مطهری، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، در جریان نشست شورای اجتماعی کشور در تهران.

بازگشت حسین الله‌کرم، چهره مشهور جریان «حزبالله» به عرصه عمومی، مقارن شده با اظهار نظر دو چهره بانفوذ در این جریان، درباره او، «حمید استناد» مسؤول حزب‌الله مشهد و «عبدالمجید محتشم» دبیر کل «انصار حزب‌الله» تهران در روزهای اخیر به‌بهانه بازخوانی و تحولات این جریان از نقش و رابطه خود با «الله‌کرم» گفته‌اند. «عبدالمجید محتشم» از جدایی «الله‌کرم» از جریان «انصار حزب‌الله» می‌گوید اما همکار مشهودی‌اش برای «الله‌کرم» نقش لیدری قابل است.

«حمید استناد» مسؤول «انصار حزب‌الله» مشهد روز گذشته با اشاره به اختلافاتی که با تشکل «محتشم» و شخص او داشته به «ایسنا» گفت: «چون خودشان این نام را به‌ثبت رسانند به دنبال انحصارگرایی بودند و معتقدند هرکس که می‌خواهد با آنها کار

کند باید تحت نظرشان فعالیت کند ما با آقایان الله‌کرم و دهنمکی هماهنگ بودیم، اگر بخواهم حزب‌الله را به یک تیم تشبیه کنیم از ابتدا الله‌کرم را به‌عنوان لیدر این تیم قبول داشته و داریم.» به‌گفته استناد، الله‌کرم هیچ‌وقت از حزب‌الله نفرت، بلکه به خاطر کاردهای جدید حزب‌الله و به خاطر اینکه حزب‌الله باید برنامه‌های مختلفی داشته باشد، گروه‌ها و جریان‌های دیگر را به وجود آورد و به آنها ملحق شد. مسؤول انصار حزب‌الله مشهد گفته که او همچنان نعتنبا با الله‌کرم بلکه با تمام جریانات و تشکل‌های حزبالله‌یی سراسر کشور به‌خصوص تهران ارتباط تنگاتنگی دارد. «استاد» معتقد است دبیر کل انصار حزب‌الله تهران تنها مسؤول شاخه کوچکی از انصار حزب‌الله است.

از سوی دیگر «عبدالمجید محتشم» دبیر کل انصار حزب‌الله هم چندی قبل درباره رابطه خود با الله‌کرم گفته بود: «او اکنون کارهای دیگری دارد. اختلاف فکری باعث جدایی نشد ما یک تفکر سستنبندی‌شده و متمایز داشتیم. حزبالله‌یی آن چیزی است که رهبری، امام(ره) و قرآن می‌گویند. ما بر سحر ولایت با اصول انقلاب جمع شدیم و کسانی که بودند و رفتند نیز این را می‌گویند و از ناگفتند در آینده و اینها جزو امهات مشترک ما بوده است. مثلا آقای دهنمکی نیز از انصار رفتند، من حرف معارضی با آن هدف اولیه از ایشان نشنیدم؛ گرچه اکنون جنس فعالیت ایشان هنری و فرهنگی است، ولی کاری نکردند که ما بگوییم پشت کردند. گرچه برخی از روزنامه‌های اصلاح‌طلب گفتند که فلاتی که یک زمانی در مقابل سینما تجمع می‌کرد، امروز خودش فیلساری می‌کند و کارگردانی می‌کند. به نظر ما قالب در این مسایل مهم نیست، بلکه محتوا مهم است البته تضمینی وجود ندارد که ما در آینده کج روییم، ولی نابه حال بحمدالله کسانی که رفته و مانده‌اند تعارض فکری نداشتند حداقل خود من چیزی غیراز این ندیدم، مثلا آقای الله‌کرم دیگر در جمع ما نیست، ولی دفعه‌های ما را دارد.

بازگشت به عرصه عمومی

او که با آمدن احمدی‌نژاد از عرصه عمومی سیاست خارج شده بود با رفتن رئیس دولت سابق، باز به عرصه بازگشته است. تصاویر، حضور او را در تجمع اعتراضی به مساله حجاب که به تازگی در خیابان قاطمی مقابل وزارت کشور برگزار شد، ثبت کردند. برخی رسانه‌ها از این حضور به بازگشت «الله‌کرم» به خیابان یاد کردند. «حسین الله‌کرم» پس از پایان جنگ به هیأت‌های رزمندگان اسلام پیوست تا پس از گذشت مدتی کوتاه به همراه دیگر دوستانش یک تشکل سیاسی را به‌وجود آورد و در نهایت به همراه حجت‌الاسلام پرواز، عبدالحسین محتشم و… در سال ۱۳۷۰ اقدام به تأسیس «انصار حزب‌الله» کرد. به این ترتیب حلقه اولیه انصار حزب‌الله کار خود را آغاز کرد که حسین الله‌کرم یکی از تاثیرگذارترین افراد این گروه بود.

اولین نشانه‌های حضور «الله‌کرم» در عرصه عمومی به دهه ۷۰ و در جریان اعتراضی به سخنرانی‌های نواندیشان دینی به‌ویژه «سروش» بازمی‌گردد. در این دوران «الله‌کرم» با عنوان سخنگوی این جریان با رسانه‌ها سخن می‌گفت. مهرماه ۷۴ و پیش از سخنرانی سروش، الله‌کرم به انجمن اسلامی دانشکده فنی دانشگاه تهران رفت و پنج‌ساعت با دانشجویان گفت‌وگو کرد و خواستار این بود که امکان سخنرانی برای مخالفان هم فراهم شود. روزی سخنرانی اما مخالفان به سخنران حمله کردند. میز و صندلی بود که به سمت سروش پرتاب می‌شد. دهنمکی

شرق: بهرام بیروانود، نماینده بورجدر روز گذشته در تذکری با اشاره به اینکه وزیر دادگستری باید در جلسه علنی حضور می‌یافت و توضیحاتی را در مورد نقش یقه‌سفیدها در مفاسد کلان اقتصادی اعلام می‌کرد، گفت: «باید کمک کنیم فقرای ما ز بی‌پای یقه‌سفیدهای مفسدان اقتصادی که همیشه جای امنی دارند، له نشوند.»
آبان ۹۲ این نماینده سوال از وزیر دادگستری در رابطه با نقش یقه‌سفیدها در مفاسد کلان اقتصادی او مطرح کرده و تاکید کرد که این افراد همچنان مصون مانده‌اند به همین خاطر این سوال در کمیسیون مورد

سیاست

نقد علی‌مطهری بر منتقدان وضعیت «حجاب»

پدیده‌ها ناپهنجاری روبه‌رو شده‌ایم. متأسفانه اگر با برخی پدیده‌های ناهنجار مواجه می‌شویم، باید برنامه‌ریزی درستی در این زمینه صورت بگیرد. او گفت: «مشکلی که ما با دولت قبلی داشتیم، این بود که می‌گفتند؛ ما در اینجا هیچ وظیفه‌ای نداریم و این کار را باید روحانیت، حوزه‌های علمیه و صدا و سیما انجام دهند و ما بارها با آنها بحث کردیم و می‌گفتند ما هیچ وظیفه‌ای نداریم، حتی آقای احمدی‌نژاد به مجلس آمد و در جواب به یکی از سؤالات از رئیس جمهور درباره مساله حجاب کاملاً این موضوع را مسخره کرد و گفت که مگر خود

علی‌مطهری، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، در جریان نشست شورای اجتماعی کشور در تهران.

شما گناه نمی‌کنید، بگذارید مردم خوش باشند! اگر سه‌پیچ ندهید! و اصلاً هیچ اعتقادی نداشت. احمدی‌نژاد به تلویزیون آمد و کار نیروی انتظامی را هم زیر سوال برد و واقعا انحطاط در حجاب از دوره آقای احمدی‌نژاد شروع شد که تا به امروز همچنان ادامه دارد.»
مطهری گفت: «دولت فعلی نیز می‌گوید ما قانون عفاف و حجاب را انجام می‌دهیم و به آن مقید هستیم، اما به نظر من در عمل خیلی تفاوت زیادی با دولت قبلی ندار، من اینجور احساس می‌کنم. هیچ جا هم اعلام نمی‌کنند که بالاخره حجاب درست چیست، نه صدا و سیما اعلام می‌کند نه

روایت دو مقام مسؤول «حزبالله» از «الله‌کرم» بازگشت به خیابان

مهسا جزینی

هم بلندگو را به دست گرفته بود و می‌گفت مناظره می‌خواهیم و هیچ جای ایران اجازه سخنرانی یکسویه به ایشان نمی‌دهیم. مثل سال ۷۵ که در اعتراض به سیاست‌های اسرائیل در ربودن «ابومرزوق» در برابر خبرگزاری جمهوری اسلامی تجمع کردند. همان زمان بود که از او با عنوان رئیس شورای هماهنگی نیروهای حزب‌الله نام برده می‌شد. مردادماه سال ۷۷ زمانی که عده‌ای بعد از نمازجمعه علیه کارباسچی راهپیمایی کردند الله‌کرم جلودار جمعیت بود. به دنبال مصروب‌شدن دو وزیر خود مراسم نمازجمعه او همان سال در مسجد ارگ سخنرانی کرد و گفت برخورد فیزیکی خشونت‌آمیز را محکوم می‌کنیم. «محسن رضایی» همان وقت درباره او گفته بود: «آقای الله‌کرم ارتباطی با سپاه ندارد. کارهایی که انجام داده است یک کار شخصی بوده و پرونده این اقبانات در سپاه در دست بررسی است. البته البته ایشان خیر بوده ولی متأسفانه شیوه نادرست ایشان به انقلاب ضربه زده است.»

هیچ وقت کار ما نبود

الله‌کرم، البته، مسؤولیت این حملات را نپذیرفت و یکبار نیز عامل برهم‌خوردن سخنرانی‌ها را نیروهای خوسدر و نفوذی دانست. بعد هم از نیروهای امنیتی خواست که در این زمینه فعال شوند و همانطور که بعدها آن را در رساله دانشگاهی خود تئوریزه کرد؛ قضیه را به نقش اصلاح‌طلب‌ها در غیریت‌سازی در راستای اسجام ربط داد و گفت که کار خودشان است و می‌خواهند افراط‌گرایی را به حزب‌الله بچسبانند. در این سال‌ها هر وقت که از او چیستی گروه‌های فشار را می‌پرسیدند، می‌کردند توپ لباس‌شخصی سوزال می‌کردند توپ را به زمین سوال‌کننده می‌انداخت و شروع به دستبندی لباس‌شخصی‌ها تحت عنوان؛ خبرنگاران، مردم عادی، دانشجوین و… کرد. او تاکید می‌کرد اینها؛ همه لباس‌شخصی‌اند. سال ۷۷ که به دفتر روزنامه «جامعه»، حمله شد او نقش اعضای حزب‌الله را در این حمله تکذیب کرد. سال ۸۵ مناظره‌ای بین او و تاجزاده برگزار شد. تاجزاده در این مناظره به خاطر‌ای از الله‌کرم در دورانی که معاون سیاسی وزارت کشور بود اشاره کرد و با یادآوری آن به الله‌کرم گفت که کارگزاران قرار بوده در حسینیه ارشاد مراسمی در اعتراض به نقض قانون شهرداران بازداشت شده، برگزار کنند. تاجزاده می‌گوید که الله‌کرم در نامه‌ی درخواست می‌کند که به آنها اجازه دهند همان روز و همان ساعت، آن طرف خیابان، مراسمی داشته باشند. تاجزاده می‌گوید: «الله‌کرم گفت یا به ما مجوز بدهید یا مجوز آن‌ها نگو. کنید. اگر لغو کنید هر اتفاقی

برخیزد به دستبندی لباس‌شخصی‌ها تحت عنوان؛ خبرنگاران، مردم عادی، دانشجوین و… کرد. او تاکید می‌کرد اینها؛ همه لباس‌شخصی‌اند. سال ۷۷ که به دفتر روزنامه «جامعه»، حمله شد او نقش اعضای حزب‌الله را در این حمله تکذیب کرد. سال ۸۵ مناظره‌ای بین او و تاجزاده برگزار شد. تاجزاده در این مناظره به خاطر‌ای از الله‌کرم در دورانی که معاون سیاسی وزارت کشور بود اشاره کرد و با یادآوری آن به الله‌کرم گفت که کارگزاران قرار بوده در حسینیه ارشاد مراسمی در اعتراض به نقض قانون شهرداران بازداشت شده، برگزار کنند. تاجزاده می‌گوید که الله‌کرم در نامه‌ی درخواست می‌کند که به آنها اجازه دهند همان روز و همان ساعت، آن طرف خیابان، مراسمی داشته باشند. تاجزاده می‌گوید: «الله‌کرم گفت یا به ما مجوز بدهید یا مجوز آن‌ها نگو. کنید. اگر لغو کنید هر اتفاقی

علی‌مطهری، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، در جریان نشست شورای اجتماعی کشور در تهران.

رئیس مجلس خبر داد
ص‌دور حکم اعدام برخی مفسدان اقتصادی
به پیگیری‌های قوه‌قضاییه در این زمینه اشاره کرده و می‌گوید: آقای سراج احکام این افراد فاسد را صادر کرده و بعضی‌ها هم به اعدام محکوم شده‌اند.
ایزن‌روها ماجرای یقه‌سفیدان و ازماپهتران نقل هر مجلسی شده، از تاکسی‌پیمایی‌های ساده روزانه گرفته تا محافل دیگر. به همین خاطر پیگیری این سبایل؛ از

وزارت کشور که مثلا ماتو تو بالای زانو ممنوع است، حالا اگر کسی می‌خواهد سیاورت بیوشد، وقتی روی آن ماتو بیوشد اشکالی ندارد.» او گفت: «بحث بر سر این است که به تلویزیون آمد و کار نیروی انتظامی را هم زیر سوال برد و واقعا انحطاط در حجاب از دوره آقای احمدی‌نژاد شروع شد که تا به امروز همچنان ادامه دارد.»
مطهری گفت: «دولت فعلی نیز می‌گوید ما قانون عفاف و حجاب را انجام می‌دهیم و به آن مقید هستیم، اما به نظر من در عمل خیلی تفاوت زیادی با دولت قبلی ندار، من اینجور احساس می‌کنم. هیچ جا هم اعلام نمی‌کنند که بالاخره حجاب درست چیست، نه صدا و سیما اعلام می‌کند نه

علی‌مطهری، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، در جریان نشست شورای اجتماعی کشور در تهران.

حساب انصار تهران از حزب‌الله جداست. در همین گیزودار، انصار حزب‌الله بیانیه داد که: «برابر حسین الله‌کرم از سال ۷۵ تاکنون هیچ ارتباط و فعالیت و سمتی در انصار حزب‌الله نداشته است و رسماً و قانوناً از این تشکل خارج شده» او در این سال‌ها با عناوین دیگری یعنی «عضو شورای مرکزی اتحادیه دانشجویان حزب‌الله» یا «استاد دانشگاه» صحبت می‌کرد. این در حالی بود که برخی دیگر از گروه‌های انصار حزب‌الله همچنان الله‌کرم را به سخنگویی قبول داشتند؛ مثلا حمید استناد، رئیس انصار مشهد گفته بود که محور انصار حزب‌الله را الله‌کرم می‌دانم و محتشم از سخنگویی عزل شده است.

دولت احمدی‌نژاد و خروج از ایران
الله‌کرم در سال ۱۳۸۲ با طرح نوسازی معنوی حزب‌الله به عرصه سیاسی بازگشت و با ایجاد جلسات منظم و برنامه‌ریزی توانست سازماندهی جدیدی را بنیان نهد. در انتخابات ریاست‌جمهوری نهم هم تلاش فراوانی در حمایت از «احمدی‌نژاد» داشت. همان زمان در واکنش به اعتراض نمایندگان به دصلاحتیستان گفت که نظام در برابر گردن کلفتی نمایندگان می‌ایستد. الله‌کرم هیچ‌گاه همچون چهارمهایی مانند «عماد افبرغ» و «محمد خوش‌چهره» که در ابتدا حامی پروپاقرص بودند اما سپس به منتقدان جدی‌تر تبدیل شدند، عمل نکرد. او همواره به‌عنوان جدی‌ترین حامی دولت نهم مطرح بود. با وجود همه اینها اما با آمدن احمدی‌نژاد، حضور او هم به کل کم‌رنگ شد. او در چرایسی تغییر رویکردش گفته بود که با روی کارآمدن احمدی‌نژاد نیازی به حضور حزب‌الله در صحنه نبود، اما این یک روی سکه بود. الله‌کرم یکی، دو سال هم از ایران رفت. اگرچه پیش از راهی‌شدن به سفر، سفارش خود را به نیروهای حزب‌الله کرد. او مدعی شده بود که منتقدان احمدی‌نژاد در خط امریکا گام برمی‌دارند او در جلسنه‌ای توصیه‌ای را در شرایط فقدان اصلاح‌طلبان به حزب‌الله کرد و بامداد روز شنبه‌یبه بیستم فروردین ۱۳۸۶ تهران را به مقصد راکرب، پایتخت گرواسی تحت عنوان وابسته نظامی، ترک کرد، درحالی که ۳۰ تا ۴۰ نفر از چهره‌های نزدیک به جریان حزب‌الله استناد، خود را بدرقه می‌کردند. همان زمان برخی از همراهان الله‌کرم معتقد بودند که سیاستمداران دولتی در آن زمان با گماردن او در این پست، به‌گونه‌ای خواستند او را از جنجال آفرینی در کشور دور کنند اما اسفند همان سال او سفری کوتاه به ایران داشت و را در بین نمازگزاران در حالی که مشغول پخش بیانیه در مخالفت با اصلاح‌طلب‌ها و فهرست انتلافی اسولگزاران بود، دیدند. این حرکت او علیه اسولگزاران تازگی نداشت، چراکه زمانی هم در جلسه شورای مرکزی حزب‌الله مشهد گفته بود که امروز باید انتقادات حزب‌الله متوجه کسانی که «ضنفرهای اسولگرا» می‌نامید، باشد. کتو که به‌نظر او راه کارگزاران را می‌رفتند. الله‌کرم در اردیبهشت ماه ۸۹ و مراسم تشییع شهدای دفاع مقدس هم حملات تندی علیه شهردار تهران داشت و گفته بود: «این اعمال شما ما را به یاد طلحه و زبیرها می‌اندازد که به ارزش‌های زمان خود پشت کردند. ما اجازه نمی‌دهیم در بین رزمندگان، کسانی باشند که خوی طلحه و زبیرها را بخواهند امروز به نمایش بگذارند، همان وقت‌ها هم رسانه‌ها از بازگشت دوباره او به صحنه سخن گفتند. اگرچه این تحلیل چندان رنگ واقعیت نگرفت و اواز آن زمان به جای خیابان، دانشگاه را برگزید. البته هراز گاهی هم سری به خیابان می‌زند.

الله‌کرم، مسؤول برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی
الله‌کرم در بین رفقتوآمد به «راکرب» بود که خبر رسید او دکتری علوم سیاسی می‌گیرد. آن هم از تهران. سال ۸۸ در دانشگاه علوم‌تحقیقات از رساله دکتری خود تحت عنوان «توسعه سیاسی در دوم خرداد» دفاع کرد. الله‌کرم که در جناح راست، متهم به رفتارهای تندروانه در دهه ۷۰ بود حالا داشت اصلاح‌طلبی را در رادیکالیسم سیاسی تئوریزه می‌کرد. استنادش به او نم‌ر ۱۹ دادند. دکتر ساعی، دکتر زیباکلام، دکتر مفتی، دکتر ازقندی و دکتر طاهری استادان و داورن حاضر در جلسه بودند. این روزها، او مسؤول برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه آزاد هم است.

برخورد با دانه‌درشت‌ها گرفته تا پرونده بابک زنجانی و بسیاری دیگر از پرونده‌های فساد مالی حالا از سوی نمایندگان مجلس در دستور کار قرار گرفته است. درست در روزهایی که برخی به دلیل عدم همکاری بابک زنجانی با مسؤولان از آغاز روند محاکمه او در دادگاه و احتمال وضع احکام سنگین برای پرونده‌اش سخن می‌گویند اما حالا و پیش از اینکه مجاری حکم او در دادگاه‌های کشور علنی شود، قرار است برخی دیگر از دانه‌درشت‌ها و یقه‌سفیدها محکوم به اعدام شوند.

ادامه از صفحه اول

قانون فراموش‌شده

عبارت کلی «لکن چنانچه پس از وقوع جرم قانونی… از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود نسبت به جرایم سابق بر وضع آن قانون تا‌صدور حکم قطعی مؤثر است.» این ماده اجازه داده است حکم ماده ۱۳۴ قانون مجازات ۱۳۹۲ که نسبت به حکم ماده ۴۷ قانون مجازات مصوب ۱۳۷۰ مساعدتر به حال مرتکب است، عطف به‌ماسبق شود. در این مورد نیز قانونگذار بین مواردی که حکم قطعی لازم‌الاجرا صادر شده باشد یا صادر نشده باشد یا در جریان اجرا باشد صریحا‌احکمی را مقرر کرده است. از تلفیق حکم ماده ۱۳۴ و حکم بند ب ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی نتایج زیر حاصل می‌شود:

الف- اگر رای شروع به اجرا نشده باشد یا شروع شده و خاتمه نیافته باشد قاضی اجرای احکام مکلف است از دادگاه صادرکننده رای قطعی اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم نیز می‌تواند از دادگاه‌دارکننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا کند و دادگاه صادرکننده حکم، با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف می‌دهد. بدیهی است در صورتی که محاکم مختلفی نسبت به جرایم متعدد حکم داده باشند، دادگاهی که مجازات اش‌د را مورد حکم قرار داده، صلاحیت اصلاح آرای صادره و انطباق آنها را با ماده ۱۳۴ دارد. لازم به تذکر است عدم اجرای این تکلیف قانونی از ناحیه قاضی اجرای احکام تخلف از انجام وظایف قضایی بوده و ادامه بازداشت مضمولان این ماده، بازداشتی غیرقانونی محسوب می‌شود.

ب- در اینجا یک مساله عملی و بسیار مهم قابل طرح است و آن این است که با توجه به تغییر ۱۸۰درج‌ای نگاه قانونگذار در ماده ۱۳۴ مصوب سال ۱۳۹۲ نسبت به ماده۴۷ قانون سال ۱۳۷۰ حجم عظیمی از پرونده‌های کیفری را که محکوم‌علیه آنها در زندان به‌سر می‌برند و حکم آنها در جریان اجراست به مراجع قضایی وارد می‌کند و این امر با توجه به اینکه تعداد پرونده‌های کیفری این مراجع سنگین است، می‌تواند موجب اختلال در امر رسیدگی‌ها و ایجاد موجبات اطاله دادرسی شود که امر پسندیده‌ای نیست. برای جمع بین حقوق محکومان مشمول ماده ۱۳۴ قانون مجازات مصوب سال ۱۳۹۲ و جلوگیری از ازدحام پرونده‌ها در مراجع قضایی، می‌توان این راه‌حل عملی را پیشنهاد کرد که چون تقسیم کار و ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به استناد اصل ۱۵۸ قانون اساسی از وظایف رئیس قوه‌قضاییه است، رئیس قوه‌قضاییه به‌تناسب میزان پرونده‌ها در هر دادگستری شعبی را به بازنگری پرونده‌های موضوع ماده ۱۳۴ و تطبیق احکام آنها با قانون جدید اختصاص دهد. بدیهی است این ماموریت، موقتی خواهد بود و هرچند به‌علت قابل ملاحظه پرونده‌های مشمول قانون، زمان قابل‌توجهی را به‌خود اختصاص می‌دهد ولی اجرای این ماده می‌تواند تا ۴۰درصد از حجم زندانیان را کم کند و آزادی چنین حجم عظیمی از زندانیان، اثر مثبت فراوانی را دربردارد. اعمال حکم مآدین ۱۳۴ و ۱۰ و اصلاح احکام سابق‌الصدور، چندین نتیجه دربرخواهد داشت. اول اینکه حقوق شهروندی رعایت شده و امتیازی که قانونگذار برای محکومان پیش‌بینی کرده اعمال خواهد شد. دوم اینکه حجم فزاینده زندانیان که بیش از پنج براب ظرفیت کاهش خواهد یافت و حتی این احتمال عقلا‌یی وجود دارد که ۲۵ تا ۳۰درصد زندانیان با اجرای این قانون آزاد شوند. سوم اینکه از آنجا که این امر به‌صورت تکلیفی برعهده قضات اجرای احکام قرار داده شده و بند ب ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ بر این امر تاکید دارد اجرای این قانون، قضات مزبور را از اتهام توقیف غیرقانونی یا استکفاف از اجرای قانون مجبراً می‌کند و چهارم اینکه نشان می‌دهد نتنها مقنن ایران بایبند اصل قانونی بودن جرم و مجازات است بلکه دستگاه قضایی مملکت نیز به‌شدت و سرعت خواهد اجرای این اصل است.

ومن‌الله‌التوفیق

«جشن شکست مذاکرات، و مردم

… مخالفان مذاکرات و پایان یافتن وضعیت فعلی تحریرها، تعارف و تکلف را کنار گذارداند و جشن گرفته‌اند که «امذکرات شکست خورده، ای‌کاش چهره‌ها و شخصیت‌ها و جریانات سیاسی که از شکست مذاکرات این همه به هیجان آمده‌اند و شادی و سرورشان را نمی‌توانند پنهان کنند مردم را لاق‌لر در این شور، نشاط و احساس پیروزی و جشنی که گرفته‌اند شریک و سهیم می‌کردند. ای‌کاش دلواپس‌ها به مردم این توضیح را می‌دادند که چرا باید از آنچه «شکست مذاکرات» می‌خوانند خوشحال شویم و جشن بگیریم؟ ای‌کاش دلواپس‌ها دو کلام برای مردم توضیح می‌دادند که آن ضرر و زیان به منافع ملی که در نتیجه پیشرفت مذاکرات هسته‌ای داشت به کشور وارد می‌شد کدام بود؟ ای‌کاش دلواپس‌ها مردم را نیز در جشن و سرورشان شریک می‌کردند و به مردم می‌گفتند اگر در وین توافق شده بود، آن «شلمه» که به منافع ملی وارد می‌شد کدام بود؟ ای‌کاش دلواپس‌ها آفت‌در برای مردم و جایگاهشان ارزش قابل می‌شدند که دو کلمه هم به آنها توضیح می‌دادند که اگر مذاکرات به‌زمع آنها «شکست نخورده بود» و توافق هسته‌ای صورت می‌گرفت یا در از آینده صورت بگیرد چرا این توافق این همه به ضرر و زیان ایران و متقابلاً به سود غربی‌ها می‌شد؟ من اتفاقاً به عکس دلواپس‌ها، معتقدم هر یک روزی که ما بتولیم کشور را زودتر از وضعیت پیش‌آمده برهانیم بیشتر به نفع مردم، مملکت و نظام خواهد بود. بنابراین من بر خلاف دلواپس‌ها معتقدم اتفاقا توافق هسته‌ای است که باعث جشن و نشاط مردم خواهد شد و نه شکست. آن تفاوت من با دلواپس‌ها این است که من حاضر برای مردم کلاماً توضیح دهم که چرا جای هیچ جشن و سروری از به توافق‌نرسیدن مذاکرات هسته‌ای با غرب نیست و به مردم اطمینان دهم که توافق، صورت خواهد گرفت و این طبیعت مذاکره است که زمان‌بر و پیچیده باشد. اما آیا آنها هم حاضرند دو کلمه و نه بیشتر برای مردم توضیح دهند که چرا از «شکست مذاکرات» باید این همه احساس شادمانی کرد؟